



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

ISSN: 2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 1

Narrative Principles of Heroic Flexibility with Enemy in Foreign Policy

Nematollah Yousefian*

Doi: <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159138>

Received: 17/07/2024 - Accepted: 03/09/2024

(131-155)

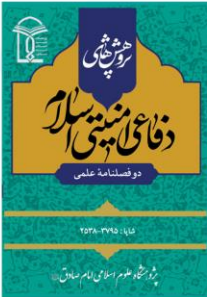
Abstract

Heroic flexibility with enemy based on narrative principles enjoys a special position, so that during the course of history it has been the source of blessings, positive changes; therefore, analyzing and investigating it will provide us with a lot of achievements.

The present article tries to investigate the narrative principles of heroic flexibility and deal with issues like explaining the concepts related to the title of the article, the necessity of heroic flexibility, and strategies of "dignity", "wisdom", "common good", "Taqiyyah (concealing one's religion)", "rationality", "insight" and so on, in order to investigate and discuss the narrative principles of heroic flexibility and provide a worthwhile answer to the present need for explaining the dimensions of heroic flexibility from the viewpoint of narrations.

The strategy of heroic flexibility can have a significant role in the diplomacy of the country; so that the possibility of smart maneuver and flexibility be provided and at the same time make the necessary maneuvers and flexibilities understandable for the revolutionary people.

Keywords: Heroic Flexibility, Enemy, Foreign Policy, Dignity, Wisdom, Common Good, Taqiyyah.



*. Assistant Professor of Jurisprudence and Law, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran, nyusofian@yahoo.com.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی
ISSN: 2538-3795
نشانی پانگه نشانه: http://ids.isri.ac.ir
سال اول؛ شماره اول

مبانی روایی نرمش قهرمانانه با دشمن در سیاست خارجی

نعمت‌الله یوسفیان*

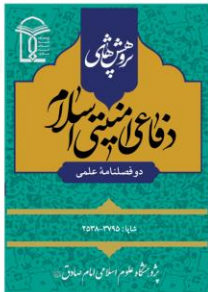
شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159138>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲
(۱۳۱-۱۵۵)

چکیده

نرمش قهرمانانه با دشمن بر اساس مبانی روایی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، تا جایی که در طول تاریخ و گذر زمان منشأ خیرات و برکات و تغییر و تحولات مثبتی بوده است؛ از این رو، بررسی و تحلیل آن، دستاوردهای فراوانی را در اختیار ما خواهد گذاشت. این مقاله در پی آن است با کاوشی دقیق، مبانی روایی نرمش قهرمانانه را بررسی نموده و به مطالبی همچون تبیین مفاهیم مربوط، ضرورت نرمش قهرمانانه و راهبردهای «عزت»، «حکمت»، «مصلحت»، «تقیه»، «عقلانیت»، «تدبیر» و ... بپردازد، از این رهگذر مبانی روایی نرمش قهرمانانه بررسی شده و پاسخی درخور به نیاز کنونی در تبیین عمیق ابعاد نرمش قهرمانانه از منظر روایات ارائه گردید. یافته‌های تحقیق گویای آن است راهبرد نرمش قهرمانانه می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در دیپلماسی نظام ایفا نماید؛ به گونه‌ای که هم امکان مانور و انعطاف هوشمندانه را فراهم آورد و هم مانورها و انعطاف‌های لازم را برای مردم انقلابی و ارزشی قابل فهم سازد.

واژگان کلیدی: نرمش قهرمانانه، دشمن، سیاست خارجی، عزت، حکمت، مصلحت، تقیه.



*. استادیار فقه و حقوق پژوهشگاه علوم اسلامی
امام صادق، قم، ایران، nyusofian@
..yahoo.com

مقدمه

گستره سیاست خارجی، عرصه نرمش‌های قهرمانانه است و در پاره‌ای از موارد و تحت برخی شرایط، بروز چنین نرمشی در برخورد با دشمن ضرورت می‌یابد؛ نمونه تاریخی آن را هم می‌توان در صلح امام حسن مجتبی علیه السلام و پیش از آن نیز در صلح حدیبیه جست‌وجو کرد. در دوران حاضر نیز کاربرد این عبارت توسط مقام معظم رهبری (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶) یک بار دیگر ماهیت این نوع نرمش را در برابر اذهان و نگرش‌های دانشوران قرار داده است؛ از این رو، آگاهی از مبنای این نرمش با دشمن در سیاست خارجی که ریشه در روایات اسلامی دارد بسیار حائز اهمیت است.

توجه به این نکته ضروری است، به‌رغم اینکه نرمش قهرمانانه در روابط و مناسبات دیپلماسی، راهبردی مرسوم بوده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، ولی تاکنون در باره مبانی روایی آن، کار علمی و مدون صورت نگرفته است. از مجموع آثار علمی که در این پیوند انجام شده است، تنها مقاله‌ای با عنوان «اصول و شاخص‌های قرآنی نرمش قهرمانانه» (حسینی، ۱۳۹۲) قابل بررسی است؛ چراکه سایر مقالاتی که در این زمینه نوشته شده به‌دنبال تبیین علمی موضوع نبوده؛ مقاله یاد شده نیز موضوع را صرفاً از بُعد قرآنی مورد بحث قرار داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: بررسی مبانی روایی نرمش قهرمانانه با دشمن در سیاست خارجی، همچنین پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که: مبانی روایی راهبرد نرمش قهرمانانه با دشمن در سیاست خارجی چیست؟

مفهوم‌شناسی

۱. مبانی: جمع مبنا، از ریشه «بنی» گرفته شده و به معنای پایه، ریشه، بنیاد و زیرساخت است. مؤلف «التحقیق»، پس از گزارش سخنان اهل لغت درخصوص این واژه و بررسی آن‌ها، می‌نویسد: معنای اصلی این واژه ضمیمه‌سازی اجزا، مواد و عناصر خاص به یکدیگر به منظور پیدایش ساختار ویژه، با کیفیت و هیئت خاص است؛ تفاوت ندارد که آن ساختار مادی باشد و یا معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۴۴).

از جمله موارد کاربرد مشتقات روایی این واژه در روایات سخن امام علی علیه السلام است که

فرمود:

إِنَّ مُحِبَّنَا يَنْتَظِرُ الزَّوْحَ وَالْفَرْجَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ إِنِّ مُبْعِضَنَا بَنَى بُنْيَانًا فَأَسْسَ بُنْيَانَهُ عَلَيَّ شَقًّا جُرْفٍ هَارٍ فَكَأَنَّما بُنْيَانُهُ قَدْ انْهَارَ.

همانا دوست ما در هر شب و روز چشم به راه راحتی و گشایش است، و دشمن ما ساختمانی در مسیر سیل بنا نهاده که آن ساختمان فرو می‌ریزد و آن بنا از پایه به آتش دوزخ افتد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۱۲۲).

بنیان در این روایت، به معنای پایه، اساس و شالوده به کار رفته است. با توجه به این توضیح مراد از مبانی، پایه، شالوده و زیرساخت‌هایی است که موضوع «نرمش قهرمانانه» بر آن قرار می‌گیرد.

۲. نرمش: یعنی سازش، مدارا و انعطاف (عمید، ۱۳۷۹، واژه نرمش)، و در اصطلاح و تلقی عمومی به معنای کوتاه آمدن، منصرف شدن و ترک موضع است. معادل عربی این واژه «لین»، «رفق»، «مدارا» و مانند آن است که به معنای نرمی و ضد خشونت می‌باشد. کاربرد روایی این واژه را می‌توان در سخن امیر مؤمنان علیه السلام مشاهده نمود که فرمودند: «نِعْمَ السِّيَاسَه الرَّفُوقُ؛ سیاستی که با نرمش [همراه] باشد، خوب سیاستی است» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۱۶۷)؛ بنابراین مراد از نرمش، معنایی در برابر خشونت است و این معنا، گفتار، معاشرت و رفتار را دربر می‌گیرد.

۳. نرمش قهرمانانه: قهرمان یعنی پهلوان و دلاور، و قهرمانانه یعنی دلاورانه (دهخدا، واژه قهرمان) از آنجاکه ممکن است نرمش در برابر دشمن از روی ضعف و ذلت صورت گیرد، لازم است به وصف «قهرمانانه» مقید گردد تا از انواعی که با «سازش و کوتاه آمدن» ملازمت دارد، جدا گردد؛ مراد از «نرمش قهرمانانه» نرمش و انعطافی است که در میدان مبارزه با دشمن و از روی زیرکی، هوشمندی، شجاعت و قهرمانی و در کمال عزت و اقتدار انجام می‌گیرد؛ همان که امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر توصیه نموده و فرمودند:

وَ اخْلِطِ الشَّدَهَ بِضَعْفٍ مِنَ اللَّيْنِ وَ ارْفُقْ مَا كَانَ الرَّفُوقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَرِمْ بِالشَّدَهَ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَه.

درشتی را به اندک نرمی بیامیز، و آنجا که نرمش باید راه نرمش پوی، و جایی که جز درشتی به کار نیاید درشتی پیش گیر (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۲۰).

بهترین بیان در توضیح نرمش قهرمانانه تحلیل رهبر معظم انقلاب است که با استناد به آیه ۱۶ سوره انفال، آن را به معنای «مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود» به کار برده است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹).

این مانور هنرمندانه به حرکت‌های کشتی‌گیری می‌ماند که با حریف خودش در حال کشتی‌گرفتن است و بنا به ضرورت در یک جاهایی به دلیل فنی از خودش نرمش نشان می‌دهد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

با توجه به این توضیحات می‌توان گفت: نرمش قهرمانانه به معنای حرکتی صحیح و منطقی در دیپلماسی با حفظ اصول و آرمان‌های انقلاب برای دستیابی به اهداف مورد نظر است؛ نه این‌که به معنای عبور از خطوط قرمز، برگشتن از راهبردهای اساسی، توجه نداشتن به آرمان‌ها و یا دست برداشتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی باشد، تا نظام اسلامی به عقب‌نشینی از اصول و آرمان‌های خود متهم گردد.

۴. سیاست خارجی: تدوین استراتژی یا برنامه‌ای بلندمدت است که توسط تصمیم‌گیرندگان یک دولت برای اقدام در برابر سایر دولت‌ها یا واحدهای بین‌المللی و به منظور نیل به اهداف مشخصی که برحسب منافع ملی تعیین شده‌اند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۲۲).

منظور از سیاست خارجی، خط مشی و روشی است که دولت اسلامی در برخورد با مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند.

مبانی روایی نرمش قهرمانانه

در این بخش از مقاله به توضیح مبانی روایی راهبرد نرمش قهرمانانه با دشمن در سیاست خارجی می‌پردازیم؛ برخی از مبانی و اصولی را که می‌توان از روایات اسلامی دریافت کرد، به قرار زیر است:

۱. عزت

یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی دولت اسلامی «اصل عزت اسلامی» است که باید در روابط بین‌المللی مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ این اصل، بیانگر علو و برتری تعالیم اسلام و در نتیجه، برتری جوامع اسلامی است؛ چنان‌که در حدیث شریف نبوی می‌خوانیم: «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يَغْلَى عَلَيْهِ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳۴)؛ اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد».

براساس اصل عزت اسلامی، نخست: مسلمانان و جامعه اسلامی عزیزند: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (منافقون: ۸)؛ و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است». خداوند سبحان آن‌ها را عزیز می‌خواهد و به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهد عزت و شوکت آنان خدشه دار شود؛ دوم: خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذی برای کفار بر مسلمین باز نگذاشته و هرگونه راه تسلط کافران بر مسلمانان را بسته است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)؛ خداوند هیچ راهی را برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است».

عزت در اصل به معنای صلابت، محکمی، قوت و حالت شکست‌ناپذیری است؛ چنان‌که می‌گویند «ارض عزاز»؛ یعنی زمین سفت و سخت (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، واژه عزّ)؛ براین اساس این واژه از باب توسعه در استعمال در معانی دیگر از جمله غلبه، صعوبت، سختی، غیرت، حمیت و مانند این‌ها به کار رفته است (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۲)؛ عزت آن حالتی است در انسان که نمی‌گذارد مغلوب کسی و چیزی گردد و شکست بخورد؛ همچنین به کسی که قاهر است و مقهور نمی‌شود عزیز گفته‌اند (راغب اصفهانی، همان، واژه عزّ).

نمی‌توان از آسیب‌های رابطه با استکبار که ویژگی آن‌ها، عهدشکنی و تلاش برای تحمیل خود بر دیگران به هر شکل ممکن است غافل شد؛ براین اساس، اگر بناست نرمشی صورت گیرد باید بر پایه اصل عزت مندی بوده و راه نفوذ و سلطه‌ای از بیگانه نسبت به نظام اسلامی صورت نگیرد.

امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه ضمن یادکردی از سرگذشت پیشینیان، به پیروانش هشدار داده، می‌فرماید:

وَ اخَذُوا مَا نَزَلَ بِالْأَمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثَلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَ دَمِيمِ الْأَعْمَالِ فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ وَ اخَذُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِيهِمْ فَالزَّمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةَ بِهِ شَأْنُهُمْ [حَالَهُمْ] وَ زَاوَتْ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ وَ مَدَّتِ الْعَافِيَةَ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ اتَّقَادَتِ النَّعْمَةَ لَهُ مَعَهُمْ وَ وَصَلَتِ الْكِرَامَةَ عَلَيْهِ حَبْلَهُمْ مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ وَ اللُّزُومِ لِلْأَلْفَةِ وَ التَّحَاصُّصِ عَلَيْهَا وَ التَّوَاصِي بِهَا وَ اجْتَنَبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فَرْقَتَهُمْ وَ أَوْهَنَ مُنْتَهَهُمْ مِنْ تَصَاعُنِ الْقُلُوبِ وَ تَشَاخُنِ الصُّدُورِ وَ تَدَايُرِ النَّفُوسِ وَ تَخَاذُلِ الْأَيْدِي (نهج البلاغه، همان، خطبه ۱۹۲).

از آن بر حذر باشید که عقوبت‌هایی که بر پیشینیان شما - در نتیجه بدکاری و زشت‌کرداری - رسیده به شما نیز برسد. احوال خوب و احوال بد آنان را همواره به یاد آورید، و چنان کنید که مانند ایشان نباشید؛ و چون در احوال خوب و احوال بد آنان اندیشیدید، کارهایی را برگزینید که سبب عزت و رفعت شأن ایشان بود، دشمنان را از ایشان دور می‌کرد، عافیت را در میان ایشان پیوسته می‌داشت، نعمت‌ها را در اختیار ایشان قرار می‌داد، و مایه بزرگی و کرامت ایشان می‌شد؛ یعنی دوری گزیدن از تفرقه، و پای فشاری بر اتحاد، و یکدیگر را بر آن برانگیختن و سفارش کردن. همچنین از هر امری دوری جوید که سبب شکست آنان بود، و از نیرومندی آنان می‌کاست؛ یعنی دشمن‌دلی و کین‌توزی نسبت به یک دیگر، و پشت کردن به هم، و خودداری از هم‌پشتی و همدستی با یکدیگر.

بر پایه این گفتار علوی، دولتمردان جامعه اسلامی باید از سرگذشت پیشینیان عبرت گیرند و در برخورد با دشمن از موضع قدرت و توانمندی وارد شوند و شیوه‌ای را برگزینند که بر عزت و اقتدارشان بیفزاید؛ به گونه‌ای که زمینه شکست دشمن را فراهم سازند.

در این پیوند در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَقْوُضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ فَالْمُؤْمِنُ مَنْ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ إِنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ سِئَةٌ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۶۳).

خدا همه امور مؤمن را به وی واگذار کرده است، لیکن اجازه نداده است که خوار و ذلیل باشد؛ آیا نشنیدی که خدا می‌فرماید: «عزت مخصوص خداست و پیامبر و

مؤمنان.»؟ این است که مؤمن عزیز است و ذلیل نخواهد بود. آنگاه فرمود: «مؤمن عزیزتر و نیرومندتر از کوه است»؛ از کوه با کلنگ می‌توان چیزی کند، ولی از دین مؤمن هیچ چیز نمی‌توان کاست.

بنابراین، در اتخاذ تاکتیک نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی نباید عزت نظام اسلامی دچار خدشه شده و به حاشیه رانده شود. رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای عجله الله در این باره می‌فرماید: «معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۶۸/۱۱/۹).

۲. حکمت

«حکمت» از ریشه «حُکِم» به معنای «منع» است؛ زیرا حُکْم و داوری عادلانه، مانع ظلم می‌شود. از آنجا که علم، دانش، منطق و استدلال، مانع از فساد و انحراف است، به آن حکمت گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۴۵۵)، یا؛ برای اینکه از جهل عالم جلوگیری می‌کند، «حکمت» نامیده شده است (ابن فارس، بی تا، ماده حکم). همچنین بر هر چیز نفوذناپذیری، صفت «محکم» اطلاق می‌گردد؛ چنان‌که گفته می‌شود: «أَحْكَمْتُ شَيْئًا فَأَحْكَمْتُ»؛ یعنی: «چیزی را استوار کردم و آن هم محکم و پابرجا شد.» (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵: واژه حکم).

آلوسی در تفسیر روح المعانی، در تبیین واژه «حکمت» چنین نقل می‌کند: «دانشمندان در معنای این واژه، ۲۹ قول دارند که برخی از آن‌ها به هم نزدیک است؛ بعضی از دانشوران بیشتر این معانی را اصطلاحی می‌دانند که قائل به آنها، به مصداق مهم «حکمت» بسنده کرده و همان را در معنای آن آورده است و گرنه در اصل، «حکمت» از مصدر «إِحْكَام» است که به معنای استواری در علم و گفتار و کردار و یا همه اینهاست» (آلوسی، ج ۳: ۴۱). «زمخشری» در تفسیر خود می‌نویسد: حکمت، سخن استوار و درست است و آن عبارت است از دلیل روشن‌گر حق و برطرف کننده شبهه (زمخشری ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۴۴).

تأمل در موارد کاربرد این واژه در متون اسلامی نشان می‌دهد که حکمت، از نگاه قرآن و حدیث، عبارت است از: «مقدمات استوار علمی، عملی و روانی برای نیل به مقصد والای

انسانیت»، و آنچه احادیث اسلامی در تفسیر «حکمت» آورده اند، در واقع مصداقی از مصداقی این تعریف کلی است.

حکیم کسی است که کار بیهوده و نسنجیده نمی‌کند و کار حکیمانه آن است که حساب شده بوده و سودش بر زیانش افزون باشد؛ و حکمت، ملکه‌ای است که باعث می‌شود دارنده آن، عمل سنجیده و درست انجام دهد و سخن درست بگوید.

مراد از حکمت آن است که نظام اسلامی و کارگزارانش حکیمانه کار کنند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکنند؛ از این‌رو نگاه آنان باید کاملاً حکیمانه، سنجیده و خردمندانه باشد.

بر پایه اصل حکمت، چنانچه مذاکره بادشمن کاری سنجیده و منطبق با موقعیت حاکم بر کشور و نظام تشخیص داده شود، امری پسندیده خواهد بود و هیچ خردمندی آن را مورد نکوهش قرار نمی‌دهد، بلکه آن را ستوده و نشانه خردمندی و آینده‌نگری خواهد دانست.

در روایات اسلامی، رفق، مدارا و نرمش قهرمانانه با دشمن، سرچشمه حکمت و کار حکیمانه شمرده شده است؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «الرِّفْقُ رَأْسُ الْحِكْمَةِ (ابوالقاسم پاینده، ۱۳۸۲: ۵۰۹)؛ نرمش سرآغاز حکمت است» از این‌رو در جایی که رفق ضرورت داشته باشد، کاربرد آن عین حکمت است.

در دیگر روایات از امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «وَأَرْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَاعْتَرِمَ بِاللَّيْثَةِ حِينَ لَا يَغْنَى عَنْكَ إِلَّا اللَّيْثَةُ (امام علی علیه السلام، نامه ۴۶)؛ نرمی کن مادام که نرمی موافق‌تر باشد و جایی که جز درشتی به کار نیاید درشتی پیش گیر».

بدیهی است که اگر رفق و مدارا و نرمش با دشمن، حکیمانه و منطبق با معیارهای مکتبی صورت گیرد، ثمره‌اش عزت و سربلندی دولت و ملت خواهد بود و به‌یقین در این صورت ارتباط با دشمن و نرمش قهرمانانه مایه زینت کشور و نظام اسلامی خواهد بود.

۳. مصلحت

مصلحت در لغت به معنای سود است و در برابر مفسده به‌کار می‌رود. مؤلف کتاب اقرب الموارد در این‌باره می‌نویسد:

مصلحت یعنی آنچه که بر عمل بار است و سبب صلاح و شایستگی می‌گردد؛ از همین باب است این سخن که گفته می‌شود: «امام مصلحت را در این دید»؛ یعنی این، چیزی است که سبب صلاح می‌شود؛ از این رو، کارهایی که انسان انجام می‌دهد و سبب سودبری وی می‌شود، به این نام نامیده می‌شوند (الخورى الشرتوتى: ماده صلح).

مصلحت در اصطلاح، هر منفعتی است که داخل در مقاصد شرع باشد و به عبارت دیگر مصالح، پاسداشت مقصود شارع است. رویکرد دینی مصالح، به مصلحت‌های عمومی است؛ یعنی در تضاد یا تراحم منافع و مصلحت‌های عمومی و فردی، مصالح عمومی مورد قبول قرار می‌گیرد.

مصلحت و مقاصد شرع در سه حوزه جای می‌گیرند:

۱. ضروریات: چیزهایی که در برپایی مصالح دنیا و آخرت، گریزی از آن‌ها نیست؛ به گونه‌ای که اگر نباشد، مصالح و منافع دنیوی سامانی ندارند. این ضرورت‌ها عبارت‌اند از: حفظ دین، جان، نسل، مال و عقل؛

۲. حاجات (نیازهای عمومی): آنچه در توسعه زندگی، و از میان بردن تنگناهای آن بدان نیاز است، هر چند این نیاز به حد ضرورت نمی‌رسد؛

۳. تحسینات (نیازهای ثانوی): عمل به استناد عادات پسندیده و دوری از ناپسندی‌ها که عقل آن‌ها را روا نمی‌داند، که گاه آن را مکارم اخلاق می‌نامند. مقصود از این دست مصالح، چیزهایی است که نه به ضرورت باز می‌گردد و نه به حاجت، بلکه نقش آن‌ها بهسازی، آراسته‌سازی و رعایت پسندیده‌ترین شیوه در عبادات و عادات است (شکوری، ۱۳۷۷، ۲۶: ۲۹).

مراد از مصلحت، رعایت مصلحت انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملاحظه تمام استفاده‌هایی است که این نظام می‌تواند از ارتباط با دولت‌های بیگانه ببرد؛ از این رو، لازم است در عرصه‌های بین‌المللی تصمیم‌گیری و حرکت بر همین اساس صورت گیرد. پویایی، شادابی و نقش‌آفرینی اسلام در صحنه‌های داخلی و جهانی به عنصر مصلحت بستگی دارد. امام خمینی علیه السلام با اشاره به همین نکته مهم، به کارگزاران حکومت هشدار

می‌دهد: در اسلام، مصلحت نظام، از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۳۳۶).

مصلحت نظام، از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن، موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد...؛ مصلحت نظام و مردم، از امور مهمه‌ای است که مقاومت درمقابل آن، ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک، زیر سؤال ببرد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند (همان، ج ۲۰: ۴۶۵).

در گروهی از روایات اسلامی به «اصل مصلحت» تصریح یا اشاره شده است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام یکی از علل سکوت خود را در برابر غاصبان رعایت مصالح عمومی و حفظ وحدت اسلامی بیان کرده، می‌فرماید: «وَ اِيْمُ اللّٰهِ لَوْ لَا مَخَافَةُ الْفُرْقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِيْنَ، وَ اَنْ يُّعْوَدَ الْكُفْرُ، وَ يَبُوْرَ الدِّيْنُ، لَكُنَّا عَلٰى غَيْرِ مَا كُنَّا لَهُمْ عَلَيِّهِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹: ۶۳۴)؛ به خدا سوگند! اگر ترس وقوع تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان گونه‌ای دیگر بود».

در کتاب مناقب از گروهی از اهل تسنن گزارش شده است: هنگامی که امام حسن علیه السلام با معاویه صلح نمود، مورد ملامت قرار گرفت: به آن حضرت گفته می‌شد! یا مذل المؤمنین! و مسود الوجوه! یعنی ای خوارکننده مؤمنان و سیاه‌کننده چهره‌ها! آن بزرگوار در پاسخ آنان می‌فرمود: «لَا تَغْدِلُوْنِيْ فَاِنَّ فِيْهَا مَضْلَحَه؛ مرا سرزنش نکنید؛ زیرا در این عملی که من انجام دادم صلاح و مصلحتی بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۵۸-۵۹).

همچنین آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «اِنَّمَا هَادَتْ حَقْنَا لِلدَّمَآءِ وَ صِيَاتِهَا، وَ اِشْقَاقًا عَلٰى نَفْسِيْ وَ اَهْلِيْ وَ الْمُخْلِصِيْنَ مِنْ اَصْحَابِي (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۵۶)؛ من به منظور حفظ و حراست خون‌های شیعیان و خوف بر خویشتن و اهل و عیالم و یاران من مخلص خود صلح و سازش نمودم».

اگر امام حسن علیه السلام حمایت مردم کوفه را داشت و فرماندهان سپاه آن حضرت نیز خیانت نمی‌کردند، بی‌گمان تاکتیک مبارزاتی خود را تغییر داده و هرگز به صلح تن نمی‌داد؛ چنانچه فرمود: «وَ اللّٰهُ مَا سَلَّمْتُ الْأَمْرَ إِلَيْهِ إِلَّا أَنِّي لَمْ أَجِدْ أَنْصَارًا وَ لَوْ وَجَدْتُ أَنْصَارًا لَقَاتَلْتُهُ لَيْلِي وَ نَهَارِي

حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۹۱-۲۹۲)؛ به خدا سوگند! من از آن جهت کار را به او سپردم که یاوری نداشتم، اگر یاوری می‌داشتی، شبانه‌روز با او می‌جنگیدم تا خداوند میان ما و معاویه حکم کند».

تذکر این نکته لازم است که موقعیت حاکم بر زمان ما با وضعیت دوران امام حسن مجتبی‌علیه السلام بسیار تفاوت دارد؛ در دوران آن حضرت، اسلام به جهت یاری نکردن مردم از امام زمانشان در موضع ضعف قرار داشت و از سوی دیگر دشمن مسلط بود و چاره‌ای جز این نبود که امام مصالحه کند؛ لیکن امروز اسلام و نظام اسلامی در اوج عزت و اقتدار است و همین امر، حجت را بر دولت‌مردان اسلامی تمام می‌کند.

۴. تقیه

تقیه، مصدر باب «اتقی - یتقی» به معنای صیانت، خودنگهداری و محافظت از خویش است. هنگامی که گفته می‌شود: از چیزی تقیه کردم، معنای آن این است که «از آن، خود را حفظ کردم» (فیروزآبادی، ج ۱: ۱۷۳۱). ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: «تقی» به معنای آمادگی برای چیزی و حفظ خود از آن است... (ابن منظور، ۱۴۱۴ ج ۱۵: ۴۰۳). از مجموع سخنان واژه‌شناسان می‌توان دریافت که معنای لغوی تقیه، صیانت، حفاظت و نگهداری چیزی از زیان، آزار و اذیت چیز دیگر است و این همان معنای اصطلاحی تقیه نزد شیعه می‌باشد.

روایات بسیاری از اهل بیت علیهم السلام در باره تقیه در دست است که از حد استفاضه تجاوز می‌کند - اگر نگوییم که به حد تواتر معنوی می‌رسد - تا آنجا که مرحوم شیخ حر عاملی رحمته الله در کتاب وسائل الشیعه، ۱۲۸ روایت را در ۱۳ باب گردآوری کرده است؛ از میان این همه روایت به‌طور اختصار تنها به چند روایت اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرموند: «التَّيْقِيَةُ تُوَسُّ الْمُؤْمِنَ وَالتَّيْقِيَةُ حِزُّ الْمُؤْمِنِ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ لَهُ (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۲۱)؛ تقیه سپر مؤمن است، تقیه نگهدار مؤمن است، هر که تقیه ندارد ایمان ندارد».

۲. امام صادق علیه السلام همچنین در تفسیر آیات ۹۵ تا ۹۷ سوره کهف که در باره بنای سد،

توسط ذوالقرنین است و طی آنان از سدی بلند که دشمنان نتوانند بر فراز آن رفته و از شکافتنش ناتوان باشند، سخن به میان آمده است، می‌فرماید: «إِذَا عَمِلْتَ بِالتَّقِيهِ لَمْ يَقْدِرُوا لَكَ عَلَى حِيلَةٍ وَهُوَ الْحِصْنُ الْحَصِينُ وَصَارَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ سَدًّا لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُ نَقْبًا» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۲۱۳)؛ هنگامی که به تقیه عمل کنی چاره‌ای علیه تو نمی‌یابند و نمی‌توانند با تو نیرنگ بازند، و آن به مانند دژی استوار و محکم است و بین تو و دشمنان خدا سدی نفوذناپذیر ایجاد می‌کند».

بنابراین، تقیه، چاره‌ای برای در امان ماندن از دشمن مقتدر و فرصتی برای قدرت‌یافتن خویش است تا نیروها بیهوده هدر نرفته و در هنگام مناسب توان ضربه زدن به دشمن را داشته باشند.

۳. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا جُعِلَتِ التَّقِيهِ لِيُخَفَىٰ بِهَا الدَّمُ فَإِذَا بَلَغَ الدَّمُ فَلَيْسَ تَقِيهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۲۰)؛ تقیه در حقیقت برای جلوگیری از خونریزی‌ها ایجاد شده است؛ پس هرگاه کار به قتل و خونریزی کشید، دیگر تقیه روا نیست».

از این روایت می‌توان دریافت که تقیه در جهت مصلحت مؤمنان و مسلمانان در نظر گرفته شده و دارای حدی است که فراتر از آن جایز نخواهد بود؛ به این معنا که برای حفظ جان، آرمان و عقیده تجویز شده است؛ حال اگر کارایی خود را از دست داده و دشمن به گونه‌ای شریک و ستمکار بوده که در هر حال قصد نابودی مؤمنان را داشته باشد، دیگر تقیه جایز نیست؛ بلکه باید مقاومت کرد؛ چنان‌که به گزارش تاریخ افرادی به‌رغم وجود حکم تقیه، با دشمن مدارا نکرده و کشته شده‌اند؛ یعنی برای آنها ثابت شده که دشمن در هر حال آنها را خواهد کشت و یا اینکه تقیه بر خلاف مصالح اسلام بوده و موجب نابودی اسلام می‌شود؛ از این رو آنان تقیه نکرده و در جهاد با دشمن به شهادت رسیده‌اند؛ برای نمونه در ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام، برای آن حضرت ثابت شده بود که شهادت او موجب علو اسلام و اعلای کلمه حق و نهی از منکر می‌شود، از این رو آن حضرت تقیه ننمود.

رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای در این پیوند می‌فرماید:

آنچه که در نظام اسلامی باید همیشه مورد توجه باشد، مشخص بودن جبهه‌هاست؛ مخلوط نشدن جبهه حق با جبهه ناحق است؛ ممکن است جبهه ناحق مورد مدارا

قرار گیرد- مانعی ندارد- ممکن است در جایی «دست دوستی» هم با او داده شود - در جای خود مانعی ندارد- اما زنهار! خطوط فاصل نباید به هم بخورد؛ باید مشخص باشد که حق کیست و کجاست و... هدف و تدبیر و تاکتیک و عملکردش چگونه است و ناحق کیست و هدفش چیست...؛ اینها نباید مورد غفلت قرار گیرد» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۸/۱۰/۰۴).

همچنین ایشان در بخش دیگری از سخنان خود درباره تقیه می‌فرماید:

وقتی از تقیه صحبت می‌کنیم، ممکن است بگویید تقیه متعلق به آن زمانی بود که دولت مسلطی بر سر کار بود و ما هم مخفی بودیم و از ترس او چیزی نمی‌گفتیم؛ نه، همان وقت هم تقیه مسئله ترس نبود؛ «التقیه تُرس المؤمن»؛ تقیه سپر مؤمن است؛ سپر را کجا به کار می‌برند؟ سپر در میدان جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و به‌هنگام درگیری به کار می‌آید؛ پس تقیه در زمینه درگیری است؛ چون ترس و حرز و سنگر و سپر است (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۶۸/۱۱/۰۹).

با این توضیح می‌توان دریافت که تقیه به زمان خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه در هر زمانی که موقعیت اقتضا کند با حفظ اصول و آرمان‌های اسلامی، این حکم انجام می‌شود؛ بنابراین در هر وضعیتی که مصلحت و «تقیه» ایجاب کند، می‌توان با حفظ استراتژی، «درخواست مذاکره» داد و یا «مذاکره» کرد.

۵. عقلانیت (خردمندی)

مبنای دیگر نرمش قهرمانانه با دشمن، اصل عقلانیت و خردمندی است؛ عقل سلیم انسان حکم می‌کند در برخی از وضعیت‌ها در برخورد با دشمن از تاکتیک نرمش قهرمانانه استفاده شود؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ خطاب به ابن مسعود می‌فرماید:

يَا ابْنَ مَسْعُودٍ! إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بِعِلْمٍ وَ عَقْلٍ، وَ إِيَّاكَ وَ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بِغَيْرِ تَدْبِيرٍ وَ عِلْمٍ؛ فَإِنَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۱۲).

ابن مسعود! هر گاه بخواهی کاری انجام دهی، آن را از روی دانش (اطلاع در مورد

کار) و خردمندی انجام بده؛ و از آن بپرهیز که کاری را نادانسته و بدون تفکر و تدبیر انجام دهی؛ زیرا که خداوند بزرگ می‌فرماید: «مانند آن زن مباشید که رشته خویش - پس از رشتنی محکم - پاره پاره کرد».

بدیهی است که این حکم عقل بر پایه قاعده اهم و مهم استوار است؛ بدین معنا که با سنجیدن اوضاع و موقعیت حاکم به این نتیجه می‌رسد که مصلحتی مهم‌تر در بین است و شرایط اقتضا می‌کند به صورت تاکتیکی شیوه مبارزه با دشمن را تغییر دهد و از درِ نرمش قهرمانانه وارد میدان شده و کشور و نظام را در موقعیتی حساس از موانع و خطرهای احتمالی عبور دهد. از این رو است که شاید بتوان در این گفتار علوی از نقش خردورزی در راهگشای بودن این گونه یادشده است: «الْعُقْلُ يَهْدِي وَيُنْجِي (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۵۲)؛ عقل، هدایت می‌کند و نجات می‌دهد».

عقل، هم نقش هدایتی و روشنگری دارد و به انسان کمک می‌کند که باید در وضعیتی خاص این گونه عمل کرد و هم در نقش یک منجی انسان را از منحصه و مانع عبور می‌دهد. این سخن، یعنی زیرک بودن و زیر نظر داشتن حرکات دشمن؛ یک عنصر حزبی و سیاسی باید تحرکات دشمن را رصد کرده و دقیقاً آن را تجزیه و تحلیل کند و روش‌های او را در مقابله و جنگ سیاسی بشناسد.

۶. تدبیر و دوراندیشی

همان‌گونه که در تعریف سیاست برخی آن را تدبیر امور دانسته‌اند، گاه با سنجیدن موقعیت حاکم سیاسی و با رعایت مصالح عمومی کشور و نظام اسلامی باید از اصل تدبیر بهره گرفته، بهترین تصمیم را اتخاذ کرد و بدین وسیله نظام را از موانع و خطرهای سلامتی عبور داد.

تصمیم‌گیری درست و منطقی در چنین موقعیتی با اصل تدبیر و آینده‌نگری صورت می‌پذیرد؛ از این اصل در روایات به «حزم» و «تدبیر» تعبیر شده است؛ بر پایه این اصل، نرمش با دشمن نشانه تدبیر و آینده‌نگری است. روایات اسلامی در اجرای هرکار یا رسیدن به هر هدفی، بر تدبیر و دوراندیشی تأکید کرده‌اند؛ چنان‌که در روایات از امیرمؤمنان علیه السلام می‌خوانیم:

- «الْحَزْمُ النَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَ مُشَاوَرَةُ ذَوِي الْعُقُولِ (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۸۰)؛ دوران‌اندیشی آن است که در عاقبت کارها اندیشیده و با خردمندان مشورت شود»؛
 - «الْحَزْمُ تَجَرُّعُ الْغُصَّةِ حَتَّى تَمَكَّنَ الْفُرْصَةَ (همان: ۴۱)؛ دور اندیشی آن است که [تحمل کرده]، [غصه را جرعه جرعه فرو دهی، تا وقتی که فرصت [برای پیروزی بردشمن] فراهم شود».

این گونه نرمش قهرمانانه در واقع به‌کارگیری تدبیر برای حرکت به سمت پیروزی است. هیچ عقلانیتی مانند تدبیر [دوران‌اندیشی و درامور] نیست و «یکی از نشانه‌های شکست و پشت کردن اقبال به انسان و اجتماع آن است که در اداره امور زندگی سوء تدبیر داشته باشند» (همان، ج ۶: ۴۴۹).

برپایه اصول و مبانی یادشده، استفاده از راهبرد نرمش قهرمانانه در برخورد با دشمن در سیاست خارجی امری جایز و خردمندانه است؛ منتها مهم آن است که این نرمش با حفظ اصول و معیارهای دینی و مکتبی صورت گرفته و عزت و شوکت اسلام و نظام اسلامی خدشه‌دار نشود.

بایدهای نرمش قهرمانانه

نرمش قهرمانانه با دشمن را در صورتی می‌توان مجاز دانست که از شرایطی برخوردار باشد این شرایط به شرح زیر است:

۱. دیپلماسی فعال

مراد از دیپلماسی فعال، پویایی، فرصت‌زایی، تلاش فعال و مبتکرانه دیپلماتیک و حرکت‌های صحیح و منطقی در عرصه دیپلماسی و در روابط بین‌الملل است؛ دیپلماسی فعال مبتنی بر این نکته کلیدی است که نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی باید ابتکار عمل را در دست داشته و تا آنجا که می‌توانند در طراحی فضای بین‌المللی نقش ایفا کنند. این تلاش فعال و مبتکرانه را می‌توان به‌عنوان یکی از بایسته‌های نرمش قهرمانانه از عموم و اطلاق برخی روایات دریافت؛ از جمله آن‌ها سخنان گهربار امیرمؤمنان علیه السلام است که می‌فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ لِلتَّجَاهِ طَالِبِينَ فَارْقُضُوا الْعُقْلَةَ وَاللَّهُوَ وَالزُّمُا

الاجْتِهَادَ وَ الْجِدَّ (همان، ج ۳: ۲۱)؛ اگر طالب نجات و رستگاری هستید بی خبری و غفلت را ترك گوید و پیوسته ملازم کوشش و مجاهده باشید».

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ زمانی در برهه حساسی قرار دارد. کشور ما در برهه‌ای که هجده‌های ایدئولوژیک، سیاسی و بین‌المللی، منطقه و جهان اسلام را هدف قرار داده‌اند باید در تولید گفتمان متناسب با حوادث روز منطقه و جهان فعال باشد؛ در چنین وضعیتی؛ نرمش قهرمانانه در برابر دشمنان باید در راستای تقویت و تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی صورت گیرد.

نرمش قهرمانانه در عرصه سیاست خارجی ضمن اینکه با گفتمان انقلاب و حقوق حقه ملت ایران در تعارض نیست، نمی‌تواند با سکون و ایستایی پیوند بخورد؛ از این‌رو در دل نرمش قهرمانانه نوعی پویایی و فرصت‌زایی نهفته است که منجر به تقویت منافع ملی کشورمان خواهد شد.

۲. حفظ موضع تهاجمی

از دیگر بایسته‌های نرمش قهرمانانه آن است که در عرصه دیپلماسی و روابط بین‌المللی در جاهایی که پای اصول و مبانی و آرمان‌ها در میان است، بایستی موضع قوی، متعزّضانه و تهاجمی به خود گرفت و بر این‌گونه موضع‌گیری پای فشرد. موضع تهاجمی برای آن است که چنان هراسی در دل دشمن ایجاد شود که به جهت آن نتواند دست به توطئه و خیانت بزند؛ چرا که اظهار ضعف و ناتوانی و مقهور شدن در برابر دشمن موجب طمع او نسبت به موجودیت کشور و نظام اسلامی خواهد شد.

در این پیوند امام علی علیه السلام می‌فرماید: «كُنْ لِيْنَا مِنْ غَيْرِ ضَعْفٍ شَدِيدًا مِنْ غَيْرِ عُنْفٍ (همان، ج ۴: ۶۰۵)؛ نرم باش بدون اینکه ضعیفی از خود نشان دهی، سخت باش بدون اینکه درشتخویی [و تندی بی جهت] داشته باشی».

همچنین می‌فرماید: «الْعُجْزُ يَطْمَعُ الْأَعْدَاءَ (همان، ج ۱: ۲۷۰)؛ عجز و ناتوانی دشمنان را به طمع می‌اندازد».

در نرمش قهرمانانه، دشمن نباید احساس کند که طرف مقابل در حال تسلیم شدن

است. گاهی اوقات لبخند هم باید از روی برتری جویی باشد، نه اینکه استنباط شود طرف مقابل از روی ضعف لبخند می‌زند؛ از این رو، دولتمردان نباید در تعریف نرمش قهرمانانه دچار اشتباه شوند؛ بلکه باید بکوشند با شجاعت و از موضع قوت نرمش قهرمانانه را براساس اصل حکمت، عزت و مصلحت دنبال کنند؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

اگر روحیه انقلابی را از دست دادیم در دنیا پیش نمی‌رویم و در حدّ کشورهای دیگری که از لحاظ علمی و مالی هم طراز ما هستند، سقوط می‌کنیم. حالا اگر بخواهیم چنین کشورهایی را پیدا کنیم، به نظرم به کشورهای کمی از آن طبقه پایین خواهیم رسید. به علاوه، مطامعی هم دارند که اگر آن مطامع برآورده نشده باشد، حقد هم خواهند داشت.

آن چیزی که این نظام را عظمت می‌بخشد و قدرت می‌دهد و برای آن احترام برانگیز است و به‌طور ناخواسته دشمنان، موجب می‌شود راهها روی نظام باز شود، کوشش و حضور انقلابی و تمسک به اندیشه‌های انقلابی است؛ این را باید در همه کارهای دیپلماسی‌مان، حتی در حرف زدن‌ها و مصاحبه کردن‌ها، حفظ کنیم.

یکی از خصوصیات این روحیه، پرهیز از حالت دفاعی در مسائل سیاسی است. هیچ موضع دفاعی‌ای، موضع خوبی نیست؛ موضع بسیار بدی است. موضع، باید موضع قوی و متعاضده‌ای باشد. در همه مسائل که دنیا به شما تعرضی می‌کند و تلنگری می‌زند، مشت بزنید. این طوری خواهد بود که می‌توانید پیش بروید. البته مشت بزنید (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۵/۵/۱۷).

۳. غافل نشدن از دشمن

از جمله بایسته‌های نرمش قهرمانانه آن است که فراموش نکنیم در نقطه مقابل ما دشمن حضور دارد و ما مشغول مبارزه با او هستیم. دشمن همواره بیدار است و منتظر غفلت ماست تا بتواند بر ما یورش برده و چیرگی یابد. اینکه مقام معظم رهبری شرط اصلی تحقق نرمش قهرمانانه در گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را درک ماهیت طرف مقابل و فهم صحیح هدفگذاری او دانسته‌اند، بی دلیل نیست؛ چرا که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و راهکارها در سیاست خارجی ما «دشمن‌شناسی» به‌شمار می‌رود. در نرمش قهرمانانه

هیچ‌گاه از «دشمن» به «دوست» تعبیر نمی‌شود و ماهیت «دشمن» نیز تغییر نمی‌یابد. به همین جهت معصومان^ع نیز همچون قرآن کریم هشدار می‌دهند که مبدا در محاسباتتان درباره دشمن اشتباه کنید! چرا که هرکار کنید دل دشمنان با شما نرم نخواهد شد. امام علی^ع در عهدنامه حکومتی خود به مالک اشتر می‌نویسد: «وَلَكِنَّ الْحَدَرَ كُلَّ الْحَدَرَ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ؛ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ، فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَاتَّهِمِ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ» (امام علی^ع، نامه ۵۳)؛ پس از صلح، سخت از دشمن برحذر باش! چه ممکن است این همه برای غافلگیرکردن تو باشد؛ بنابراین، جانب دوراندیشی را از دست مده، و در این باره حسن ظن نداشته باش.

آن حضرت همچنین در فرازی از سخنان خود می‌فرماید: «لَا تَغْتَرَنَّ بِمُجَامَلَةِ الْعَدُوِّ فَإِنَّهُ كَالْمَاءِ وَإِنْ أَطِيلَ إِسْحَانُهُ بِالنَّارِ لَا يَمْتَنِعُ [الْمُ يَمْنَعُ] مِنْ إِطْفَائِهَا (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۲۹۲)؛ مبدا زبان خوش دشمن تو را فریب دهد! زیرا دشمن همچون آب است که هر اندازه آتش برای گرم کردنش به کار رود، باز از خاموش کردن آن باکی ندارد. در این پیوند در روایات دیگری از آن حضرت می‌خوانیم:

– «اسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مَرَاقِبَهُ الْإِمْكَانِ وَانْتِهَازَ الْفُرْصَةِ تَطْفُرُ (همان، ج ۲: ۱۹۲)؛ در مبارزه با دشمن، مراقب امکانات و فرصت‌ها باش تا پیروز شوی».

– «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتْبَهَتْهُ [تَبَهَتْهُ] الْمَكَائِدُ (همان، ج ۵: ۳۴۴)؛ هرکه از دشمن خود غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود آورد».

۴. شناسایی آماج حمله دشمن

از دیگر بایسته‌های نرمش قهرمانانه آن است که نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی مواضع کلیدی و استراتژیکی را که ممکن است دشمن از آنجا نفوذ کرده و ضربه بزند مورد شناسایی قرار داده و بشناسند. دشمنان اسلام از روش‌های متنوع و گوناگون برای نابودی اسلام استفاده می‌کنند.

حضرت امام جواد^ع در سخنان خود یکی از ارکان مهم دفاع را شناخت دقیق دشمن دانسته، می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوَارِدَ أَعْيَيْتُهُ الْمَصَادِرُ (مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۶۸: ۳۴۰)؛ هرکس

از راه‌های ورود [و مواضع کلیدی دشمن] بی‌خبر باشد، پیدا کردن راه‌های خروج او را خسته خواهد کرد.»

در این باره مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای می‌فرماید:

نرمش در يك جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد؛ اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و يك جاهایی به دلیل فنی نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می‌کنند؛ بدانند که با چه کسی مواجه‌اند؛ با چه کسی طرفند، آماج حمله طرف آن‌ها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۶/۲۶).

نبایدهای نرمش قهرمانانه

۱. تواضع مقابل قدرتهای بین‌المللی، به‌ویژه آمریکا

یکی از نبایدهای نرمش قهرمانانه آن است که نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی در برابر قدرتهای بین‌المللی تواضع و کرنش نکنند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ در حدیث مناهی می‌فرماید: «مَنْ مَدَحَ سُلْطَانًا جَائِرًا أَوْ تَخَفَّ وَ تَضَعَّعَ لَهُ طَمَعًا فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۱)؛ هرکس حاکم ستمکاری را بستايد و نزد او خود را کوچک کند و فروتنی نماید، به امید بهره‌ای که از وی به او رسد او همدم همان حاکم ستمکار است در آتش» در روایتی دیگر آن حضرت در این باره همچنین می‌فرماید: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا عَلَيْهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُمْ مَذَلَّةٌ وَ صَغَارٌ (ورام، ج ۱: ۲۰۱)؛ هرگاه متکبران را دیدید در برابرشان تکبر نمایید که این مایه خواری و تحقیر آنهاست.»

۲. غفلت از رابطه صمیمانه با نخبگان و آزادگان جهان

دوراندیشی و آینده‌نگری این است که نمایندگان جمهوری اسلامی در روابط بین‌المللی فرصت را غنیمت شمرده، از برقراری ارتباط دوستانه با نخبگان و آزادگان جهان به‌ویژه نهضت‌های آزادی بخش، همچون حزب‌الله جهان غافل نشوند؛ غفلت این است که فرصت‌ها را از دست بدهند و نتوانند با آنان روابطی صمیمانه برقرار کنند و بر قوت جبهه اسلامی بیفزایند.

امام علی علیه السلام در این پیوند می‌فرماید: «أَكْثَرُ الصَّالِحِ وَالصَّوَابِ فِي صُجْبِهِ أُولَى النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۲۴)؛ بیشترین صلاح و درستی در [برقراری روابط و] همنشینی با [نخبگان و] صاحبان عقل و خرد است».

۳. جداشدن ما از گروه‌های اسلامی

یکی دیگر از نبایدهای نرمش در عرصه دیپلماسی آن است که از جماعت و گروه‌های اسلامی غفلت نشود؛ از این رو نمایندگان سیاسی نظام بایستی با جماعت گروه‌های اسلامی تعامل داشته باشند، با آن‌ها احساس برادری داشته و آن‌ها را از خودشان بدانند، با آنان متحد باشند و از آنان جدا نگردند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الزُّمُوا الْجَمَاعَةَ وَاجْتَنِبُوا الْفُرْقَةَ (همان: ۲۴۰)؛ ملازم جماعت [مؤمنان و گروه‌های اسلامی] باشید و از جدایی با ایشان اجتناب کنید».

آن حضرت همچنین در فرازی دیگر از سخنان خود می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ عَنِ أَهْلِ الْحَقِّ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّنْبِ (همان: ۳۲۴)؛ از جدا شدن [از مؤمنان و گروه‌های اسلامی] بپرهیزید؛ زیرا کسی که از [مؤمنان اهل حق جدا شود، نصیب شیطان خواهد شد؛ همان‌گونه که گوسفند جدا شده از گله نصیب گرگ می‌شود.

این روایت تنهایی، گوشه‌گیری و جدا شدن از مؤمنان و گروه‌های اسلامی را مورد نکوهش قرار داده است.

۴. عبور از خط‌قرمزها

یکی از نبایدهای نرمش قهرمانانه پرهیز از مداهنه^۱ با دشمن و عبور نکردن از خطوط قرمز نظام ولایی است؛ بنابراین نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی در روابط بین‌المللی باید بر اصول و آرمان‌های انقلاب و نظام پافشاری نموده و ذره‌ای از آن کوتاه نیایند و بر سر آن‌ها با دشمن معامله نکنند.

۱. «مداهنه» به معنای عبور از خطوط قرمز و گذشتن از اصول برای منافع شخصی و دنیایی است که امری ناپسند است.

خطوط قرمز برای هرکشوری متناسب با شرایط زمان و مکان متفاوت خواهد بود و اولویت هرکشوری را خطوط قرمز آن کشور مشخص می‌کند؛ بر همین اساس در حال حاضر عقب نشینی نکردن از حق مسلم هسته‌ای جمهوری اسلامی جزو خطوط قرمز ماست. همچنین حفظ عزت، حکمت و مصلحت نیز از خطوط قرمز جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود؛ چنانکه اصول و آرمان‌های انقلاب نیز از همین قبیل است.

عرصه دیپلماسی، میدان رویارویی و مبارزه با دشمن است؛ بنابراین، دستور همان است که امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه در جریان جنگ جمل، هنگامی که پرچم را به دست او سپرد، فرمود: «اگر کوه‌ها از جای خود به در رفتند، تو متزلزل مباش، و از جای خود تکان مخور! بر دندان‌های خود فشار آور! کاسه سرت را به خدا سپار! (در برابر دشمن) قدمت را در زمین می‌خکوب کن» (امام علی علیه السلام، خطبه ۱۱).

نرمش قهرمانانه به هیچ‌عنوان نباید عقب‌گرد از مواضع اصولی تلقی شود، بلکه در چارچوب حفظ اصول، تعامل ما در عرصه جهانی شکل می‌گیرد؛ مرز شکنی و کوتاه آمدن در مسائل اساسی در نهایت سبب تباهی و سقوط خواهد شد.

امام علی علیه السلام فرمود:

يَسْتَدَلُّ عَلَىٰ إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعِ تَضْيِيعِ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْعُزُورِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفْأَصِلِ (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۴۵۰)؛ عامل سقوط دولتها چهار چیز است: ضایع گذاردن اصول (مسائل اساسی)؛ چسبیدن به فروع (امور نامهم و تشریفات)؛ پیش انداختن ارادل (فرومايگان)؛ و کنار زدن افاضل (پرمایگان و آگاهان)».

همچنین مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، يك کار مطلوب و مورد قبولی است؛ لکن این مانور هنرمندانه نایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ این‌ها را باید رعایت کرد (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴).

۵. بی‌توجهی به اصول و آرمان‌ها

حرکات دیپلماسی خارجی باید با اصول و آرمان‌های انقلاب همخوانی داشته باشد؛ چراکه

پافشاری بر اصول و آرمان‌های مقدس و الهی درس بزرگی است که ملت شهیدپرور ایران اسلامی از عاشورا آموخته است؛ شهدای کربلا برای اینکه به فیض شهادت در رکاب امام حسین علیه السلام برسند از هم سبقت می‌گرفتند؛ آنها بر سر اعتقاد بر حق خود محکم ایستادگی کردند و هرگز زیر بار ذلت و زور نرفتند.

نمایندگان سیاسی نظام بایستی در عرصه بین‌المللی به اصول و آرمان‌های اسلامی بسیار اهمیت داده و بکوشند بر سر دین و اصول و آرمان‌های آن مقاومت کنند؛ حال خواه دنیا بپذیرد یا نه. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهایت استقامت و پافشاری بر مواضع اصولی خود در برابر درخواست کفار و مشرکان مبنی بر دست برداشتن از عقاید خود فرمودند:

وَاللَّهِ لَوْ وُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أَنْفِذَهُ أَوْ أُقْتَلَ دُونَهُ (مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۹: ۱۴۳)؛ به خدا سوگند! اگر خورشید در جانب راست من قرار گیرد و ماه در جانب چپم، از گفتن این سخن (دعوت به دین توحید و عدل) باز نمی‌ایستم، تا آن را به جریان اندازم، یا در راه آن کشته شوم.

در این پیوند سخن نویدبخش امام خمینی علیه السلام نیز این است که فرمودند:

جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمان‌های مقدس و الهی خود دست بردارد. ان‌شاءالله مردم سلحشور ایران کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه داشته و شعله‌های ستم‌سوز آن را علیه... آمریکای جهان‌خوار و اذنب آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ پرچم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۳۶).

۶. تندیه‌های بی‌وجه

یکی دیگر از اموری که در دیپلماسی باید از آن خودداری شود، تندیه‌های نابخردانه و بی‌جهت نمایندگان جمهوری اسلامی در روابط بین‌المللی است. گرچه با انعطاف آنان، تغییری در ماهیت دشمن رخ نخواهد داد؛ لیکن خردمندی اقتضا می‌کند در مواضع نرمش، دشمنی خود را با برخورد غیرمنطقی خود آشکار ن سازند؛ چنان‌که در روایتی گزارش شده است: «لَا تُتَابِدُ عَدُوَّكَ ... (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۱۳)؛ دشمنی را با دشمن خود آشکار مکن».

جایی که باید نرمش از خود نشان داد تندی و درشت‌خویی موجب تلافی‌جویی طرف مقابل شده، مانع پیشرفت کار می‌شود و سبب گره خوردن بیشتر امور می‌گردد؛ از این رو، نرمش با تندی‌های بی‌وجه سازگار نیست؛ همچنان که در این حدیث بدان تأکید شده است: «إِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السُّقْمِ وَالتَّبْرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۰۲)؛ از غیرت و رزی بی‌جا دوری کن؛ زیرا این کار انسان سالم را به بیماری و نفس‌فارغ را به قلق و اضطراب [سعی در تلافی‌جویی] فرا می‌خواند».

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای نیز در این باره می‌فرماید:

گاهی نامه‌هایی برای ارسال به این طرف و آن طرف می‌آورند و می‌خواهند که من نظر بدهم. من حرف‌های تندش را خط می‌زنم ... ؛ بعضی از تعبیراتی که الان مسئولان سر‌زبان‌شان است و در سخنرانی‌های خود، اینجا و آنجا می‌گویند، من نه در زمان ریاست جمهوری به زبان می‌آوردم و نه حالا به زبان می‌آورم. نمی‌خواهم بگویم تندیهایی بی‌وجه بکنید و بگویید: فلانی می‌گوید فحش بدهید. نخیر، اشتباه نشود. در مسائل دیپلماسی و در سخنرانی، در اینجا و آنجا، نه من خودم اهل فحش دادن هستم و نه این را به دیگران توصیه می‌کنم. من می‌گویم: شما تیزتر از شمشیر و نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشید. واقعاً دیپلماسی، دیپلماسی میدان نرمش‌های قهرمانانه است. نرم باشید؛ منتها نرمشی که تیز است. نمی‌گویم بروید بایستید بگویید مثلاً امریکای جنایتکار. غالباً وقتی تعبیرهای این‌طوری در نامه می‌آید، من خط می‌زنم. نه نامه‌هایی که خودم می‌خواهم بفرستم - آن را که خودم می‌نویسم - بعضی از نامه‌هایی که بناست فرستاده شود و من باید رویشان اعلام موافقتی بکنم، وقتی پیش من می‌آید، این‌طور چیزها را من معمولاً حذف می‌کنم؛ چون دوست ندارم. این روش را توصیه نمی‌کنم؛ اما باید قرص بایستید و محکم باشید (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۵/۵/۱۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان دریافت که در اندیشه اسلام ناب، انزوای طلبی و قطع رابطه با دولت‌ها و کاهش ارتباط با دنیا جایگاهی ندارد؛ نرمش قهرمانانه در عرصه دیپلماسی بر پایه‌ها و زیرساخت‌هایی استوار است که بدون آن هیچ‌گونه نرمشی در برابر دشمن مجاز نخواهد بود.

دستور صلح و نشان دادن نرمش در برابر دشمن از سویی با هدف خنثی‌سازی توطئه‌های استکباری اوست و از سویی دیگر فرصتی برای تقویت ساخت درونی نظام فراهم خواهد آورد.

نرمش قهرمانانه با دشمن در سیاست خارجی با دیپلماسی فعال، حفظ موضع تهاجمی، غافل نشدن از دشمن و مبارزه، شناسایی آماج حمله دشمن، و نیز بر مبنای عزت، حکمت، مصلحت، تقیه، عقلانیت و اصل تدبیر و دور اندیشی؛ البته، مادامی که اصول و آرمان‌های اسلامی در تعامل با دشمن محفوظ بماند و خدشه‌دار نشود.

کتابنامه

قرآن کریم.

- نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی (۱۳۷۸)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آمدی، تمیمی، عبدالواحد (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ابن ابی فراس، وژام (بی تا). مجموعه وژام (تنبیه الخواطر)، چ ۱، قم، مکتبه فقیه.
- ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی (۱۳۸۶). علل الشرائع، قم، نشر کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن علی طبرسی، احمد (۱۴۰۳). الإحتجاج علی أهل اللجاج، چ ۱، مشهد، نشر مرتضی.
- ابن فارس، احمد (بی تا). معجم مقاییس اللغه. چ ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، جمال الدین محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، چ ۳، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ابوالفضل شکوری (۱۳۷۷)، فقه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- حسینی، منصور (۱۳۹۲)، کیهان فرهنگی.
- خمینی [امام]، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- جوهری، إسماعیل بن حماد (۱۴۰۷) الصحاح تاج اللغه وصحاح العربیه، تحقیق: أحمد عبد الغفور العطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳)، المفردات فی الفاظ القرآن، قم، نشر طلیعه نور.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت، نشر دار الکتب العربی.

شرتونی، سعید خوری (۱۳۸۵)، اقرب الموارد، قم، انتشارات اسوه.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

عاملی، شیخ حرّ (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، چ ۱، قم، آل البيت.

عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا). القاموس المحیط، بیروت، مؤسسه الرساله.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران، نشر دارالکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، چ ۲، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

نوروزی، دکتر محمد تقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهشهای مدیریت، انتشارات سنا.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، آرشیو بیانات امام خامنه‌ای؛ <http://www.leader.ir>

نرم افزار جامع الاحادیث، علوم کامپیوتری نور.

نرم افزار جامع التفاسیر، علوم کامپیوتری نور.

نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام.

نرم افزار حدیث ولایت، ویراست دوم.

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام.

آلوسی، شهاب الدین (۱۳۷۴ ش / ۱۴۱۶ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱.